بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری

14/11/94 اصول عملیه - برائت - برائت شرعیه - روایات دال بر برائت شرعیه - حدیث رفع

**ادله برائت (حدیث رفع)**

**بحث سر روایت های مربوط به حدیث رفع بود.**

عرض شد یک سری از روایت های حدیث رفع در کتاب حسین بن سعید که به نام نوادر احمد بن محمد بن عیسی چاپ شده است وجود دارد. این روایت ها مشکلی که در موردش وجود دارد این است که راوی این کتاب در بعضی از روایت ها سند ها را حذف کرده است. و در نتیجه این سند ها برای ما حکم مرسل پیدا کرده است. بحث این است که آیا می توانیم به راهی این سند ها را اصلا کاملا از ارسال خارج کنیم یا اینکه اگر نمی توانیم از ارسال خارج کنیم و راوی را مشخص کنیم لا اقل روایت را اعتبار بخشیم. راه هایی برای اعتبار بخشیدن روایت مرسل. عرض کردم در مورد اسماعیل جوفی، یک راه این هست که روایت اول ما روایت اسماعیل جوفی بود. یک راه اول این هست که ما بیاییم رابطه حسین بن سعید با اسماعیل جوفی را بررسی کنیم. خب ما در این رابطه به این نتیجه رسیدیم که این رابطه یک چیز حدود 17 تا مجموع روایت هایش بود. که صحیحه اش 58 درصد بود. صحیحه و موثقه با هم حساب کنیم 82 درصد بود. خب به نظر می رسد این مقدار شاید مقداری نباشد که اطمینان بخش باشد که این روایت، روایت معتبره است. حالا صحیحه اش که خب حجمش خیلی پایین است ولی صحیحه و موثقه را با هم دیگر ضمیمه کنیم خیلی باز بالا نمی رود. البته این نکته را هم ضمیمه کنم که در مورد اینکه قاسم بن محمد جوهری که در این روایت وارد شده است واقفی است خود این خیلی مسلم نیست. چون نجاشی ذکر نکرده است شیخ در فهرست ذکر نکرده است. در رجال کشی از قول نصر بن صباح نقل کرده است که به عنوان غالی شناخته شده است. در اصحاب الکاظم رجال شیخ هم به عنوان واقفی. ما برایمان قابل اثبات نیست که این امامی بوده است. این نقل ها به هر حال نقلیاتی هست که قابل توجه است ولی مطمئن هم نیستیم که حتما واقفی بوده است. ممکن است این هم خودش واقفی نبودنش چون محل تردید هست یک مقداری احتمال صحیحه بودنش را بیشتر کند. ولی علی ای تقدیر در حدی نیست که، فوقش این است که این موارد

را هم یک مقداری احتمال صحیحه بودنش را هم اضافه کنیم مثلا 58 درصد یک مقدار درصدش بالا رود می شود 65 درصد. ولی به هر حال در حدی نیست که بتوانیم اعتماد کنیم. ولی یک روش دیگری در این بحث وجود دارد و آن یک مقداری محاسبات را تغییر می دهد و آن این است که آن روایت حدیث رفع که در کتاب حسین بن سعید وارد شده است، قبلش عن اسماعیل الجوفی قال قلت لأبی جعفر علیه السلام أمرّ علی العَشّار یا عُشّار و روایت را نقل می کند. این روایت، بعدی اش و عنه عن ابی عبدالله علیه السلام است. با تعبیر و عنه که تعبیر کرده است به احتمال زیاد یعنی سندش هم همان سند روایت قبلی است و عنه عن ابی عبدالله علیه السلام به احتمال زیاد عین همان تعبیری بوده است که در کتاب حسین بن سعید وجود داشته است. گونه روایت قبلی را می شود در موردش بیشتر یعنی کار کرد و این احتمال اینکه این روایت هم روایت قبلی باشد را ضمیمه کرد یک قدری محاسبات تغییر می کند. آن روایت قبلی که أمرّ علی العشار باشد، أمرّ بالعشار معذرت می خواهم أمرّ بالعشار باشد، در کافی جلد 6 صفحه 128 رقم 5 با این سند نقل کرده است.

**مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ الْجُعْفِیِّ**

خب بحث این هست که آیا این سند تأثیر می گذارد در بحث ما یا نمی گذارد؟ به نظر می رسد که تأثیر جدی می گذارد چون ببینید اینکه یک روایت را از اسماعیل جوفی دو تا راوی مختلف نقل کرده باشند باید دید واقعا روایت هایی که از اسماعیل جوفی هست معمولا راوی اش یکی است یا نیست. من فکر می کنم حالا من تتبع نکردم روایت های اسماعیل جوفی را. غالب روایت های اسماعیل جوفی را یک راوی از آن نقل کرده اند اینکه مثلا دو تا راوی یک روایت واحد را نقل کرده باشد خیلی زیاد نباشد.

سوال: اینکه مثلا جاهای دیگر یک راوی نقل کرده اند اینجا هم یک راوی نقل کرده اند...

پاسخ: این هست که اصلا اسماعیل جوفی روایت هایش را افراد زیادی، اسماعیل جوفی یک راوی این به این معنای خیلی پر روایتی نیبست. اینجور نیست که خیلی راوی داشته باشد. بحث این است که چون خیلی روایت ندارد به طور طبیعی مثلا همین این روایت معاویه بن وهب عن اسماعیل جوفی، در کل روایت ها فقط همین یک جا است که معاویه بن وهب.

اینکه بگوییم علاوه بر این یک جا که بگوییم علاوه بر این یک جا علاوه بر معاویه بن وهب راوی دیگری هم این روایت را از او نقل کرده باشد خیلی چیز نیست چون ببینید اینها گاهی اوقات مؤلف کتاب هستند و مؤلف کتاب خب کتاب تألیف می کرده است افراد مختلف می امده اند و از او می شنیده اند. اسماعیل جوفی صاحب کتاب نیست. اگر هم صاحب کتاب باشد کتاب های معروف ندارد. این ها نقلیات شفاهی است و این نقلیات شفاهی که دو بار این را نقل کرده باشد باید ببینیم اساسا نقل متعدد چقدر دارد. اصلا دأبش زیاد نقل کردن هست یا نیست و امثال اینها. این است که من تا جایی که می گویم این بحث را تتبع جدی نکردم در ذهنم هست اسماعیل جوفی راویان متعدد از او زیاد نیستند. یعنی اینکه یک روایت را چند نفر روایت کرده باشند خیلی ندیدم در روایت هایش که تورق می کردم با این دید به طور کامل آمار گیری دقیق نکردم ولی تا جایی که روایت های اسماعیل جوفی را همین جوری نگاه میکردم این خیلی راویان متعدد نداشته باشد. یعنی در واقع راوی ای نبوده است که همینجوری روایت های زیاد کند و نقل حدیث کند و حلقه حدیثی داشته باشد و امثال اینها. این نکته باعث می شود که احتمال اینکه این روایت در کتاب حسین بن سعید هم از طریق همین معاویه بن وهب باشد آن احتمالش خیلی جدی می شود. و راوی از حالا با احتمال کمتر اینکه راوی از معاویه بن وهب هم علی بن حکم باشد. آن هم حالا نه به این قوت ولی آن هم کاملا احتمالش هست. در نتیجه رابطه حسین بن سعید با این دو نفر را هم در محاسبه باید بیاوریم. این علی بن حکمی که در این سند هست جزو مشایخ حسین بن سعید است. یک احتمال وجود دارد که اصلا روایت کتاب حسین بن سعید همین بوده است. حسین بن سعید عن علی بن حکم عن معاویه بن وهب عن اسماعیل جوفی. این یک احتمال. خب این باشد که صحیحه می شود. علی بن حکم بنابر تحقیق صحیحه است و هیچ بحثی در، حالا آن بحث جدی دارد که علی بن حکم چه کسی است ولی بحث مشکلی ندارد یعنی روشن است که علی بن حکم زبیر کوفی انباری اینها همه یکی هستند و ثقه است و جلیل القدر است. اگر بگوییم حسین بن سعید از علی بن حکم این سندرا گرفته است و سند حسین بن سعید هم عین سند کافی باشد از علی بن حکم به بعد. اگر بگوییم نه حسین بن سعید از یک طریق دیگری از معاویه بن وهب نقل کرده است، آن طریق نیاز به

یک بررسی رابطه حسین بن سعید و معاویه بن وهب دارد. من رابطه این ها را دنبال کردم. حالا آمار دقیقش را اینجا ذکر کرده ام، حالا سریع من بگویم حسین بن سعید و معاویه بن وهب از طریق فضاله چهارده مورد دارد. حماد بن عیسی هفده مورد. فضاله و حماد بن عیسی یک مورد. نضر بن سوید عن یحیی الحلبی دو مورد. ابن ابی عمیر دو مورد. معاویه بن شریح یک مورد. علی بن النعمان دو مورد. دو مورد دیگر هم هست حسین عن علی بن نعمان یا حسن عن علی بن نعمان که احتمال می دهم حسین یا حسنش زائد باشد. آن هم دو مورد است. قاسم بن محمد الجوهری چهار مورد. محمد بن ثنان یک مورد. حسن بن محبوب یک مورد. مستقیم هم یک مورد که مستقیمش شاید اشتباه باشد. باید سقطی چیزی رخ داده باشد که آن یک مورد ملحق به قبلی ها می شود چون آن هم باید سقط داشته باشد و سقط آن هم در این محاسبه... نتیجه بحث این می شود که صحیحه اش غیر از قاسم بن محمد بن جوهری که موثقه است بقیه اش صحیحه است. صحیحه اش 43 تا است و موثقه 4 تا است. که حالا یک مورد هم مشکل دار است که آن هیچی. مجموعه مواردی که قابل قبول هست و می شود در آمار گیری واردش کرد 47 مورد است. صحیحه به کل آن 92 درصد است. صحیحه و موثقه اش کل روایتش صحیحه است یا موثقه است. ضعیفه هیچ ندارد. تمام روایاتی که حسین بن سعید از معاویه بن وهب نقل می کند تمام صحیحه است یا موثقه. ضعیفه اصلا ندارد. و این است که این احتمالی که راوی حسین بن سعید هم از همین طریق کافی نقل کرده باشد کاملا احتمال جدی هست و با توجه به این ما می توانیم اصلا آمار تغییر می کند آن روشی که تا الآن دنبال می کردیم این احتمال اینکه طریقش همان طریق باشد محاسبه نمی کردیم این است که من به نظرم مجموع این چیزها را با هم ضمیمه کنیم، اطمینان بخش است که این معتبر است. حالا صحیحه را نمی خواهم تعبیر کنم. چون صحیحه یا موثقه اش صد در صد اگر معاویه بن وهب باشد تمام مواردش یا صحیحه است یا موثقه است. احتمال اینکه اصلا غیر آن طریق باشد احتمال زیادی نیست. یعنی فرض کنید به احتمال نود درصد از طریق معاویه بن وهب است. به احتمال ده درصد آن از غیر آن طریق است. مجموع اینها را با هم دیگر ضمیمه کنیم یک چیزی حدود 95 درصد شاید

احتمال اینکه این روایت معتبره باشد در بیاید و این اطمینان بخش هست به نظرم بشود این روایت را با توجه به این مجموعه

سوال: ... از کافی بود درست است؟

پاسخ: نه کل روایت. کافی نیست. این آمار

سوال: بعد بین نوادر و غیر نوادر...

پاسخ: نه نه کلا. چون نوادر حجم زیادی ندارد از روایت های حسین بن سعید. حجم روایت حسین بن سعید که به خصوص تهذیب وارد شده است ده برابر او هست.

سوال: یعنی روش خاصی...

پاسخ: نه روش خاصی را ما دنبال نکردیم. حجم اصلی اش مال کتاب تحذیر است. در نوادر کتاب حسین بن سعید سه چهار تا روایت در بحث ما هست. اکثر از این 47 تا روایتی که دنبال می کردیم سه چهار تا از آنها مال نوادر است مال کتاب حسین بن سعید است و بقیه اش

سوال: سبک نگارش همان هم از لحاظ اسناد با بقیه اسناد حسین ...

پاسخ: هیچ فرق خاصی ندارد.

این است که من به نظرم با توجه به این مجموعه جهات می شود این روایت را معتبر دانست. بنابراین من خلاصه کنم جهت روشی بحث را. یکی اینکه این بحث باید دنبال شود که احتمال اینکه این روایت طریقش در کتاب حسین بن سعید غیر از طریق کافی باشد این احتمال چند درصد است. این یک مرحله بحث است که این را باید نحوه روایت های اسماعیل جوفی را که آیا اسماعیل جوفی کسی هست که راویان متعدد نسبت به روایت هایش باشند یا نیستند. بنابراین مثلا فرض کنید که یک کسی مثل ابن ابی عمیر که راویان زیاد دارد ممکن است یک روایتش را چند نفر نقل کنند یا از آن بالاتر ابو بصیر. ابو بصیر از کسانی هست که خیلی از روایاتش را چند نفر نقل کرده اند. محمد بن مسلم و زراره اینها خیلی ها کسانی هستند که مثلا یک روایتش را چند نفر نقل کرده اند. آن در این محاسبه

فرق دارد با اسماعیل جوفی. این را باید دنبال کرد که می گویم این را من آمار دقیق ندارم ولی تا جایی که در ذهنم هست روایت اسماعیل جوفی یک روایت واحدش را چند نفر نقل کنند کم است. که نشانگر این است که اسماعیل جوفی کسی نبوده است که روایت هایش را افراد زیادی بیایند نقل کنند. ولو جزو رؤسای شیعه بوده است. و در بعضی از روایات ما این اسماعیل جوفی کنار زراره و محمد بن مسلم اسمشان آمده است به عنوان المترأسون روایتی هست می گوید هلک المترأسون فی ادیانهم. کسانی که خودشان را رییس کرده اند اینها هلک. پیدا است از کسانی بوده است که در رتبه مترأس بوده است. یکی از آن ها زراره، محمد بن مسلم، برید، اسماعیل جوفی در رده رؤسا هست ولی به هر حال

سوال:...

پاسخ: ریاست هایشان ریاست های اجتماعی که نیست ریاست های همین که بیایند از آنها اخذ حدیث کنند. ولی خب در مقایسه با زراره و محمد بن مسلم و برید و امثال اینها خب در رتبه پایین تری است.

سوال: واسطه با امام بوده است...

پاسخ: اینها در واقع رییس فرهنگی هستند یعنی در جامعه فرهنگی که نقل حدیث و محدثیت و رییس محدثی و امثال اینها. خب این است که این یک مرحله بحث که نحوه آیا اسماعیل جوفی سندی که ما در کتاب حسین بن سعید هست چه مقدار این احتمال دارد که سند جدید باشد. اگر احتمال سند جدید بالا باشد آن بحث های دیروز بیشتر مطرح است. ولی ما با توجه به اینکه این روایتش از غیر طریق معاویه بن وهب باشد این احتمال را زیاد نمی دانیم این روش جدید را به نظر من این روش دقیق تر است و از این روش می توانیم دنبال کنیم. یک سری بحث های این شکلی است که عرض می کنم یک روش های جدید بحث های رجالی است که باید پخته شود و زوایای بحث باید بحث های نظری اش و بحث های تطبیقی اش روشن شود در این آمار گیری ها. من اجمالا بدون اینکه ادعا بخواهم بکنم که این روش هنوز روش پخته ای هست این روش بدوی ای که به ذهنم می رسد این است که ما می توانیم روایت اسماعیل جوفی را با این محاسباتی که عرض کردم تصحیح کنیم.

سوال: احتمال ... طریق روایات وهب با روایات....

پاسخ: بله بله آن احتمالش هست.

سوال: مثلا ما معاویه بن وهب عن اسماعیل جوفی کل روایت یک روایت بیشتر نیست.

پاسخ: درست است ولی بحث این است که اینکه این ضمیر را ناسخ تبدیل کرده باشد به ضمیر، یعنی مثلا در اصل اسماعیل جوفی بوده است و بعدش هم این یکی اسماعیل جوفی بوده است و بعد آن را حذف کرده باشد خیلی مستبعد است. یعنی این احتمال که روایت دوم اگر ضمیر در کتاب حسین بن سعید باشد این خیلی مستبعد است. یعنی این احتمال که روایت دوم اگر ضمیر در کتاب حسین بن سعید بوده است خب سعید معنایش این است که تعلیق قبل است دیگر. خود ضمیر آوردن این مطلب در کتاب حسین بن سعید این احتمال اینکه این اصلا سندش همان سند قبلی است این احتمال را کاملا تقویت می کند. بنابراین من تصور می کنم که این مجموعه این نکات را ضمیمه کنیم این اطمینان بخش است که احتمال اینکه این روایت یک روایت معتبر باشد بالای نود درصد یک چیزی حدود 95 درصد همچین چیزهایی باید باشد.

سوال: باید بپذیریم که ... کتاب حسین بن سعید مرسل نبوده است.

پاسخ: نه نه این مسلم است. این مسلم هست که این مرسل نبوده است و این ارسال بعدا عراض شده است. اینها تقریبا

سوال: ترتیبش هم همین ترتیب است ... باشد که این ترتیب که الآن ناسخ باشد همان ترتیب کتاب حسین بن سعید است

پاسخ: این نکته خاصی ندارد به هم خوردن ترتیبات. یعنی اینها یک چیزهایی نیست که یک نکته ویژه ای داشته باشد که ترتیبات را به هم زده باشد و اینها که ظهور اینکه عنه تعبیر می کند که این عنه به اسماعیل جوفی زده می شود و بی تأثیر نیست ها این احتمالاتی که مطرح می کنیم ولی اینها خیلی تأثیرات جدی به نظرم در این محاسبات ندارد ولی این بحث ها را باید ..

سوال: ... واسطه بین حسین بن سعید و معاویه بن وهب جوفی در سند دیگر که معاویه بن وهب واقع نشده است این تأثیر ندارد؟

پاسخ: نه آن خیلی تأثیر ندارد. این روایت باید روایت ویژه ای بوده است. هم روایت علی بن حکم عن معاویه بن وهب روایت زیادی نیست و هم روایت معاویه بن وهب عن اسماعیل جوفی خیلی، علی بن از معاویه بن وهب یادم رفته است. حسین بن سعید از علی بن حکم هست ولی انقدر، علی بن حکم جزو مشایخ اصلی حسین بن سعید نیست. هفت هشت مورد دارد ولی مثلا مثل ابن ابی عمیر و بزنطی و فضاله و حماد بن عیسی که مشایخ اصلی حسین بن سعید هستند نیست. ولی علی بن حکم عن معاویه بن وهب را الآن یادم نیست.

شاگرد: زیاد است.

استاد: زیاد است؟ خب اگر زیاد باشد که آن هم مهم نیست.

به نظرم این مجموعه این جهات را که ضمیمه کنیم این مجموعه جهات اطمینان بخش است. به هر حال بحث این است که باید مجموعه جهاتی را که می شود حدس زد آن سند اصلی به چه شکل بوده است را در محاسبات چیز کرد احتمالاتش را مطرح کرد من تصور می کنم خیلی با این احتمالاتی که ما ذکر کردیم تفاوت ندارد. یعنی احتمالات دیگری که ممکن است نادرا وجود داشته باشد ولی این احتمال فرض کنید 96 درصد ما در محاسباتمان در می آوردیم احتمالات دیگری این 96 درصد را می کند 94 درصد. دو درصد مثلا بیاورد پایین تأثیرش آنقدر زیاد نیست که این روایت را از آن اطمینان بخشی خارج کند

سوال: کل این روشی که فرمودید این منوط به این نیست که ما احاطه به احتمالات داشته باشیم؟

پاسخ: احتمالات غیر از اینها این احتمالات ضعیف است. بحث این است.

سوال: چون ما نمی دانیم...

پاسخ: نه نه ببینید اینکه روایت هایی که به دست ما نرسیده است دقیقا به یک شکلی باشد با روایت های موجود هیچ ربطی نداشته باشد حساب احتمالات این را رد می کند دیگر. درست است فرض کنید که ما سابقا مثلا ممکن است روایاتی که قبلا بوده دو برابر اینروایات بوده است و نصف روایات به دست ما رسیده است ولی اینکه دقیقا آن نصفی که از بین رفته است به یک شکل و شمایل دیگری باشد. خب این احتمالاتش مستبعد است. در بحث های آماری که در نظر می گیرند همیشه در یک نمونه آماری خاص این کار را دنبال می کنند این نمونه آماری را به کل جامعه آماری تسری می دهند به شرطی که این نمونه آماری رابطه اش با جامعه آماری ما یک رابطه خاص نداشته باشد. یعنی تصادفی انتخاب شده باشند.

سوال: درست است منظورم این است که تأثیر این احتمالات هر کدام چه میزان تأثیر دارد چه میزان محتمل است مثلا اینکه ترتیب به هم خورده باشد یا اصل کتاب مرسل باشد اینها...

پاسخ: خب همین بحث همین است که به طور طبیعی چقدر این احتمالات یعنی طبیعی نیست که راوی ای که دارد یک کتاب را نقل می کند یا گزینش می کند و هیچ نکته خاصی در گزینش ندارد ترتیب را بهم زند. یک موقعی هست که فرض کنید که شیخ طوسی است دارد کتاب می نویسد این کتاب نوشتن یک هدف خاصی را دنبال می کند برای بررسی یک هدف خاصی است. این جا گاهی اوقات به خاطر اینکه مثلا دارد شرح مقنعه شیخ مفید می رسد روایت ها را ترتیب هایش را بهم بزند برای اینکه بتواند آن شرح آن کتاب را دنبال کند. ولی چیزی که هیچ نکته خاصی ندارد ناسخ دارد به هر حال این روایات را می آورد و صرفا یک گزینش است اما اینکه بگوییم یک نکته ای دارد که این روایت را به هم زده اند نکته ای است که یک جهت عجیب و قریب وجود داشته باشد برای به هم زدن ترتیب خیلی خیلی مستبعد است. خب این یک بحث.

به نظر من این یکی از بحث های تازه ای هست که این بحث را خیلی می شود دنبال کرد روش هایش را منقح کرد و سیقل داد این بحث را و در جاهای مختلف این بحث اثر دارد. یک بحث مثلا در تفسیر عیاشی. در تفسیر عیاشی آیا می توانیم، تفسیر عیاشی مشکلی که

دارد این است که اکثر روایت های عیاشی به دست ما نرسیده است. مشکل قضیه این است که روایت های عیاشی، عیاشی خیلی روایت داشته است تعداد روایت های عیاشی سند داری که به دست ما رسیده است یک دهم تفسیر موجود است. در حالی که خود تفسیر موجود نسبت به کل روایت های عیاشی شاید یک دهم آن هم نبوده است. کتاب های عیاشی که نوشته اند. این است که در آن کتاب های تفسیر عیاشی دنبال کردن این روش خیلی سخت است چون مقدار اطلاعات ما خیلی چیز نیست. حسین بن سعید اینجور نیست. حسین بن سعید روایت های بسیار زیادی از او ما در اختیار داریم. یکی از منابع اصلی به خصوص تهذیب شیخ طوسی است. در تهذیب شیخ طوسی خیلی از او نقل کرده است و در کافی هم فی الجمله نقلیاتش کم نیست ولی نه به اندازه تهذیب. این است که یک حجم اطلاعاتی خیلی گسترده ای داریم در این بحث ها می شود راحت مانور داد. و این مثلا یکی. در مورد مرسلات صدوق در من لا یحذر الفقیه. با این روش ها می شود کارهایی در مورد می شود انجام داد که آیا می شود در موردش انجام داد. مرسلات هم دو قسم است. یکی بحث آنجایی که قال الصادق تعبیر کرده است که مرسلات هست حالا ما در بحث های آینده در موردش صحبت می کنیم. آن عمدتا آن را من نمی خواهم بگویم. عمدتا جاهایی که راوی دارد ولی نسبت به آن راوی طریق در مشیخه ذکر نکرده است. آن هم با یک سری روش هایی ممکن است ما کشف طریق کنیم به نحو احتمالی البته آن کشف طریق یک ویژگی های خاص خودش را دارد. آن باید طریق باشد. طریق باید متکرر باشد چیزهای نادر باید از محاسبات حذف شود چون چیزهای نادر در طریق قرار نمی گیرد. آن یک محاسبات خاص دیگری هر کدام دارد و نحوه کشف اینها و احتمالات و امثال اینها غرضم این است که این یک زمینه کار نشده رجالی هست علت اصلی هم که کار نشده است این است که اطلاعات کتب رجالی دسته بندی شده در اختیار نبوده است. حالا این کار ها را می شود کرد حالا به خصوص اگر بحث های کامپیوتری بحث های هوش مصنوعی و امثال اینها روزنه ها را بشود دنبال کرد خیلی کارها و کارهای بسیار فخیمی می شود اینجا انجام داد البته می گویم هنوز یک مقداری زود است قضاوت کردن در مورد تمام کم و کیف این کارها این ها را باید خیلی رویشان فکر کرد.

سوال: ... این دو تا روش را تیتر وار اگر بفرمایید..

پاسخ: عمده روش این هست که ما در واقع اینکه چقدر احتمال می خواهیم ببینیم که احتمال اینکه این سند های محذوف با سند های موجود رابطه داشته باشند، به طور طبیعی این سندی که حذف شده است به شکل سند های موجود است. یعنی سند های موجود می تواند ما را به سند های مفقود برساند. یک موقعی این سند مورد نظر ما را هیچ اطلاعات جدید نداریم در موردش. مثلا همین اسماعیل جوفی را هیچ اطلاعات دیگری ن داریم. خب باید کل رابطه حسین بن سعید با اسماعیل جوفی را دنبال کرد. یعنی به طور طبیعی احتمال اینکه سند موجود ما شبیه سند های مفقود باشد به همان، ببینید قانون حساب احتمالات این است دیگر. فرض کنید شما در یک کیسه ای ده تا لوبیا هست بیست تا نخود هست پنجاه تا لپه هست و امثال اینها چیزهای مختلفی که هست. دست که می کنید یکی در می آورید احتمال اینکه نخود باشد یا لپه باشد و اینها این احتمال دقیقا بستگی دارد به آن رابطه آن اشیاء موجود نسبت به کل. حالا اگر یک مقداری از این را برداشتیم ریختیم این طرف. این مقداری که اینجا هست را شمردیم. رابطه مقداری که اینجا شمردیم با آنهایی که مفقود است باید مثل هم باشد. اساس قضیه این است که ما یک سری روایت های مفقوده داریم و یک سری روایت موجوده داریم. به طور طبیعی چون مفقود شدن و موجود شدن تصادفی است از طریق روایت های موجود رابطه احتمالی این اشخاص را در کل روایات می توانیم بررسی کنیم وقتی کل روایت را بررسی کردیم هر موردی مساوی همان رابطه ای است که ما در کل اهتمام می دهیم. بنابراین اگر مثلا فرض کنید که در میان همه اشیاء که اینجا هستند آشغال هم وجود داشته باشد. ما آن که در می آوریم اگر از حبوبات است یا از سنگی هست که قابل خوردن نیست. مقدار سنگی که در این مجموعه هست یک در هزار اگر باشد. ما هر جا که دست بگذاریم این احتمال یک در هزار وجود دارد. اصل کلی قضیه این هست که اصلا اساس تفکر آمار این است که ما یک نمونه اماری را در نظر می گیریم و آن را تسری به کل مجموعه آماری می دهیم و با تسری مجموعه آماری یک قضیه جدید که پیش می آید پیش بینی ما این است که رابطه مجموعه جدید همان رابطه است که کل آن مجموعه آماری ما که از طریق به دست آوردن رابطه هایش از طریق نمونه آماری به دست آوردیم آن شکل باشد

سوال: .. باید اطمینان داشته باشیم چطوری اطمینان داشته باشیم....

پاسخ: این تفکر اینکه ممکن است این یعنی اینکه اصلا با تفکر آمار و تصادفات و حساب احتمالات انس نگرفته اید.

سوال: وقتی این حساب احتمالات پیش می آید که موجود که شما می فرمایید تصادفا و اتفاقا جدا شده باشد. اما اگر این موجودین به خاطر اینکه روایت فقهی بوده و اند و روایت مورد ابتلا بوده اند و رواتی که روایت فقهی نقل می کنند با رواتی که روایت های کلام نقل می کنند خیلی متفاوت هستند...

پاسخ: نه نه این هم یک زاویه دید است. ببینید روایت هایی که

سوال:...

پاسخ: نه نه ببینید ما الآن یک موقعی شما بحث مثلا فقهی و الزامی و امثال اینها را دنبال می کنید خب یک روش چیز هست که ما بیاییم روایت ها را موضوع بندی کنیم در زمینه های مختلف در این موضوعات مختلف بحث را دنبال کنیم. خب این هم یک، من عرض می کنم یکی از این چیزها این روش ها هنوز روش های نپخته ای هست. یکی از چیزهایش این است که آمار را ما در یک جامعه خاص دنبال کنیم روایت های فقهی و روایت های الزامی را جدا کنیم و روایت های اصلا مهم و غیر مهم آن پارامتر هایی که می تواند تأثیر گذار در این بحث باشد را کنترل و چک کنیم همه اینها بحث هایی هست که وجود دارد من این بحث را که طرح کردم الآن به عنوان یک بحث نپخته دارم عرضه می کنم. و خب باید چیزهای مختلفی که در این بحث هست پارامتر هایی که در این بحث اثر گذار است، این پارامتر ها را سنجید و دنبال کرد. من البته تصور نمی کنم خیلی اینها اثر گذار باشد ولی خب می شود دنبال کرد می شود در این جامعه های مختلف یعنی روش های مختلف را دنبال کرد می گویید آیا این روش ها به همدیگر نزدیک هستند فاصله دارند خب طبیعتا، حالا من فعلا به چیز بدوی دارم اظهار نظر می کنم. حالا ممکن است وقتی اینها را دسته بندی کنیم و مقایسه کنیم ببینیم که نه واقعا تأثیر جدی داشته است. طبیعتا باید یک نحوه محاسباتمان را عوض کنیم. عرض می کنم این بحث بیشتر برای گشودن یک راه جدید است. اینکه بخواهم

بگویم این بحث، بحث تمام شده است و امثال اینها نیست. می خواهم یک روش های نو را که، چون اینها خیلی مهم است یعنی ما در واقع به یک چیزهایی داریم یعنی بعضی زمینه کاری هست که تا الآن می شده است انجام بشود ولی با سختی می شده است که انجام شود. مثل بحث های وثاقت و عدم وثاقت روات و امثال اینها. ولی این بحث ها تقریبا بحث هایی است که قبلا اصلا عملی نبوده است الآن ما می توانیم اصلا وارد فکر شویم ومحاسبات کنیم و اینها را دنبال کنیم یعنی خودش هم اینکه چقدر اینها تأثیر می گذارد و اینها یک بحث های جدی دارد که باید هی آمار گیری کرد و محاسبات را انجام داد و اصلاح کرد تا شاید بتوانیم به یک نتیجه ای برسیم. در این بحث ما حالا خیلی اثر ندارد که این روایت را تصحیح کنیم یا نکنیم چون روایت های دیگری وجود دارد مشکل چیز نیست. بیشتر این است که این روش های نو را در یک زمینه هایی باید هی آزمایش کرد و...

سوال: ببخشید خارج از بحث ما است ولی ... کتاب هایی که جمع آوری شده است و ... امارش موجود است یعنی احتمال دارد که ...

پاسخ: آن هم یک کار دیگر است. در این جور بحث های آماری ما خیلی اثر ندارد. چون مطمئنا چیزهای دیگری که به دست ما بخواهد برسد نادر است. یعنی این قطعا نادر است. در این سالها این همه تلاش هایی که شده است یک کتاب شرایع علی بن بابویه یک تکه کوچکی اش به دست آمده است. چیزهایی که بتوانیم.

سوال:... گشتم و پیدا نکردم.

پاسخ: بله یعنی آن زمینه هایی که مثلا کتاب های مفقود ما بتوانیم پیدا کنیم هست ولی شاید یک درصد از کتاب ها امید به دست آمدن چیزشان نیست. معمولا این است که در این محاسبات آماری ما خیلی اثر گذار نیست.

این در مورد روایت معاویه بن وهب. اما روایت ربعی بن عبدالله، این ربعی بن عبدالله را می خواهید سریع بحثش را عرض کنم. ربعی بن عبدالله واسطه بین حسین بن سعید و بگذاریم اینها را فردا عرض کنم.

دو تا روایتی که ربعی بن عبدالله است و یکی روایت حلبی است حالا اینها هر کدامشان یک بحث های خاص خودشان را دارند که این بحث ها را ما می خواهیم دنبال کنیم و ببینیم به چه زمینه ای می رسیم. ما در واقع نیاز به یک سری بحث های ابتکاری تازه برای گشودن یک سری معماهایی داریم ولی این ها را نباید سرسری نگاه کرد. یعنی اگر کار می خواهد بشود کار باید .... بشود همین جوری پراندیات را تا حد امکان بعد از مثلا یک حالا من می گویم تمام روایت های موجود این را هم بررسی کردم بعد از اینها به طور جدی عقیده ام این است که این کار خام است. چون واقعا یک سری کار به دلیل تازگی ای که دارد خام است و باید چکش بخورد و صیقل پیدا کند ولی متأسفانه کارهای جدید که گاهی اوقات مطرح می شود بعضی اشخاص همان لحظه اول نتیجه گیری نهایی را می خواهند بکنند. در مؤسسه بقیه الله به یکی از بچه ها یک کار رجالی گفتم و فقط یکی کار کرده بود به خاطر اینکه فقط آن یکی کار کرده بود نمی توانستم خیلی به او اعتراض کنم ولی خیلی سریع نتیجه گیری کرده بود. خیلی سریع یعنی زود چیز کرده بود و یک شجره نامه ای برای یک بنده خدایی ایجاد کرده بود و برادر و خواهر و فامیلش را هم ایجاد کرده بود و فقط کم مانده بود شماره شناسنامه اش را بدهد!

این آفت کار های جدید است. آفت تعجیل و عجله داشتن این است که انسان باید یک راههای جدید گشوده شود ولی اینها حالا حالاها باید به عنوان یک بحث های آزمایشگاهی که صلاحیت عرضه تجاری ندارند تلقی شود. اینها این زمینه

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد